

قیمت‌گذاری دوگانه انرژی در رویه سازمان جهانی تجارت

عبدالحسین شیروی* مهسا فرحان جم**

چکیده

از آغاز تأسیس سازمان جهانی تجارت، انرژی و موضوعات مربوط به آن همواره مورد بحث بوده است و بسیاری از کشورهای صاحب انرژی برای پیوستن به سازمان ناگزیر به اصلاح و تغییر قوانین خود شدند. یکی از مباحث مناقشه‌آمیز در این خصوص، اتخاذ سیاست وضع قیمت مضاعف از سوی کشورهای متقاضی است. کشورهای صاحب انرژی با تعیین قیمت پایین‌تر انرژی برای تولیدکنندگان داخلی خود، آن‌ها را نسبت به رقبای بین‌المللی‌شان در موقعیت برتری قرار می‌دهند. همین مسئله باعث بروز اختلافاتی میان کشورهای صادرکننده و واردکننده انرژی شده است. به‌زعم برخی دولت‌های واردکننده انرژی چنین رفتارهایی یارانه محسوب شده و با اصول اولیه گات مانند اصل دولت کامله‌الوداد و رفتار ملی مغایرت دارد و ضروریست سازمان جهانی تجارت با ایشان برخورد کند. این پژوهش درصدد بررسی این است که آیا رویه و موافقت‌نامه‌های کنونی سازمان جهانی تجارت، به قیمت‌گذاری دوگانه انرژی پرداخته‌اند و اتخاذ چنین رفتاری چقدر با مقررات سازمان سازگاری دارد. همچنین تاثیر اتخاذ قیمت‌گذاری دوگانه انرژی بر روند الحاق کشورها به سازمان جهانی تجارت نیز مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. با بررسی قواعد، مقررات و اصول مندرج در موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت می‌توان به این امر پی برد که رویه و مقررات این سازمان در خصوص قیمت‌گذاری دوگانه انرژی ساکت و با خلأ مواجه است. همچنین اثبات این ادعا که قیمت‌گذاری دوگانه ممکن است نافیض مقررات سازمان جهانی تجارت باشد، به دلیل پیچیدگی‌هایی این موضوع و به‌موجب موافقت‌نامه‌های

hosseinshiravi@gmail.com

* استاد دانشکده حقوق پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم (نویسنده مسئول)

mahsa.farhaan@gmail.com

** دانش آموخته مقطع دکتری پردیس البرز دانشگاه تهران، تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۲۷

سازمان بسیار دشوار است بنابراین لازم است سازمان جهانی تجارت با تدوین قواعد و مقررات جدید در این باره اقدام کند.

طبقه‌بندی JEL: K19, k33, k42

واژگان کلیدی: انرژی، سازمان جهانی تجارت، قیمت‌گذاری دوگانه، گات، یارانه.

مقدمه

به‌رغم اینکه از زمان تأسیس سازمان جهانی تجارت تاکنون، تجارت انرژی همواره مورد بحث بوده اما موضوعات مربوط به آن هیچ‌گاه در قالب یک موافقت‌نامه خاص تجلی نیافته و به نوعی در این سازمان مغفول مانده است. یکی از مهم‌ترین دلایلی که باعث شد انرژی و مسائل مربوط به آن در سازمان جهانی تجارت به تفصیل مورد بحث قرار نگیرد، عدم حضور کشورهای بزرگ صادرکننده انرژی در زمان امضای گات و تأسیس این نهاد بوده است. با این حال، از آغاز نظام‌های تجاری، انرژی در موافقت‌نامه‌های عمومی چندجانبه تجاری کم و بیش تحت پوشش قرار گرفت. منشور هاوانا به عنوان یکی از اولین اسناد تجاری بین‌المللی به طور گسترده موافقت‌نامه‌هایی در خصوص تجارت بین‌المللی کالا مانند موافقت‌نامه کنترل قوانین تولید، کنترل کمی صادرات و واردات کالاهای اولیه و تنظیم قیمت‌ها تنظیم کرده است. علاوه بر این، منشور هاوانا همواره بر نقش منابع طبیعی در توسعه اقتصادی جوامع تأکید ورزیده است. البته لازم به ذکر است که قوانین مزبور هیچ‌گاه در موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) انعکاس نیافت.

در خلال مذاکرات چندجانبه تجاری در دور توکیو و اروگوئه، کشورهای واردکننده انرژی تلاش داشتند تا رویه‌های محدودکننده صادرات انرژی را معین کنند، اما متأسفانه هیچ توافقی در زمینه سیاست‌های مربوط به انرژی میان اعضا حاصل نشد. موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت نیز قانون خاصی درباره تجارت انرژی ارائه نکرده است. علی‌رغم تلاش‌های نافرجام دولت‌ها در دو دهه‌ی اخیر جهت مذاکره پیرامون رفع ابهامات مسائل مرتبط با انرژی، معمولاً قوانین عام و کلی تجارت بین-

المللی کالا در خصوص انرژی نیز اجرا می‌شود؛ اما نکته قابل بحث آن است که قواعد کلی مزبور بسیاری از مشکلات پیش روی مسئله انرژی را در بر نمی‌گیرد. هم‌زمان با الحاق کشورهای عمده تولیدکننده انرژی به سازمان جهانی تجارت، مسائل مربوط به تجارت انرژی در سازمان جهانی تجارت به شدت مورد بحث قرار گرفت. مسائل متعددی در مذاکرات الحاق کشورهایمانند عربستان سعودی و روسیه که از بزرگ‌ترین صادرکنندگان انرژی به شمار می‌روند، مطرح شد. بسیاری از کشورهای دارنده انرژی در زمان الحاق با تقاضای سایر اعضا نسبت به تغییر و اصلاح قوانین و سیاست‌های بخش انرژی خود مواجه شدند. یکی از موارد بسیار چالش برانگیز که در مذاکرات الحاق کشورهای تولیدکننده نیز بارها مطرح شد، سیاست قیمت‌گذاری دوگانه انرژی است. در بطن اختلافات مربوط به قیمت‌گذاری مضاعف، رویه وضع قیمت‌های ترجیحی برای منابع طبیعی در بازارهای داخلی وجود دارد. اتخاذ چنین سیاست‌هایی باعث تقویت قدرت تجاری، برتری یافتن کشورهای دارنده انرژی در مقابل دیگر کشورهای محروم از منابع طبیعی و تبعیض میان اعضا می‌شود؛ امری که با اصول اولیه سازمان جهانی تجارت نظیر اصل دولت کامله‌الوداد در تضاد است. نوشتار پیش رو، سعی دارد به بررسی این نکته بپردازد که قیمت‌گذاری دوگانه انرژی تا چه حد منطبق با قوانین سازمان جهانی تجارت بوده و سازمان مزبور نسبت به رفتارهای ترجیحی دارندگان انرژی، چه رویکردی دارد. از این رو، در قسمت اول اهمیت قیمت و فرآیند قیمت‌گذاری و در قسمت دوم قیمت مضاعف در سازمان جهانی تجارت را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

۱. نقش قیمت‌گذاری در اقتصاد

از گذشته تا به حال یکی از مناقشات اصلی میان تولیدکنندگان، بازاریابان و دستگاه‌های دولتی بحث قیمت‌گذاری کالا، خدمات و صلاحیت واحدهای مختلف سازمانی نسبت به این امر بوده است، زیرا قیمت تنها عنصری است که توان ایجاد درآمد در بازار را دارد (بلورین، ۱۳۹۳: ۱). قیمت‌گذاری در اقتصاد و تجارت امروز، به

یک مقوله استراتژیک تبدیل شده و تمام اشخاص دخیل در بازار باید نسبت به آن با احتیاط گام بردارند. به عبارت دیگر، ایشان باید امر تعیین قیمت و هرگونه جرح و تعدیل در آن را با توجه به اهداف بازار و سیاست‌های خرد و کلان اقتصادی دولت مورد توجه قرار دهند، زیرا عنصر قیمت و تصمیم‌گیری در مورد آن می‌تواند در خودکفایی یک کشور و گسترش روابط تجاری بین‌المللی آن با دنیای پیرامونش اثر بگذارد.

نکته قابل توجه آن‌که اتخاذ سیاست‌های بعضاً نادرست در خصوص تعیین قیمت منجر به کاهش سطح تولیدات و بروز تورم شده و در نهایت ممکن است جریان نقدینگی کشور را با اختلال مواجه سازد. به عنوان مثال، کشورهای در حال توسعه با هدف حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان داخلی در برابر پدیده‌هایی همچون گران‌فروشی، تورم و غیره به کنترل قیمت و قیمت‌گذاری در بازار می‌پردازند. اما شناخت نادرست آنان از ابزارهای تعیین قیمت، بیشتر باعث نارضایتی مصرف‌کنندگان و ایجاد شکاف درآمدی می‌شود (عسگری، ۱۳۶۹: ۱).

از سوی دیگر، رفتارهای اقتصادی اشخاص (اعم از خصوصی و دولتی) در رابطه با کنترل و تثبیت قیمت نوسانات تجارت داخلی و خارجی یک کشور را تحت تأثیر قرار داده و به نوعی حوزه تجارت آن را آشفته می‌سازد. اعمال و اجرای سیاست‌های غیر مطلوب و گاه غیر قابل پیش‌بینی در امر قیمت‌گذاری، نه تنها مشکلات تورم و گران‌فروشی را حل نکرده بلکه بر گسترش آن نیز بیشتر دامن زده است. نقش مهم قیمت‌ها در اقتصاد بین‌الملل واقعیتهای انکارناپذیر است. از این رو، در قسمت زیر به چستی قیمت‌گذاری و قیمت‌گذاران اشاره‌ای خواهیم داشت.

۱-۱. قیمت‌گذاری: معنا و مفهوم

قیمت در بازار عبارت است از ارزش مبادله‌ای کالاها یا خدمات که با واحد پول شناخته می‌شود. بر این اساس، «قیمت‌گذاری» شیوه‌ای است که از سوی نهادها برای تعیین قیمت کالاها و خدمات به کار گرفته شده و ابزار اصلی ایجاد درآمد، کسب سود

و منفعت برای تولیدکنندگان است. قیمت‌گذاری فعالیتی است که مستمراً در معرض تجدیدنظر و تکرار بوده و این تکرار و تداوم ناشی از تغییرات محیطی، ورود و خروج رقبا، دوران اقتصادی و عدم ثبات بازار است (Albertha, 2009:1). اهمیت قیمت‌گذاری از آن رو است که ارائه محصولات بهتر نسبت به سایر رقبا و استفاده از گام‌های صحیح در انتخاب استراتژی برای رسیدن به موقعیت مطلوب در مقابل رقبا، جزء اصول مهم برای رسیدن به سودآوری در مدل کسب و کار است؛ بنابراین یک بنگاه باید قادر به قیمت‌گذاری محصولاتش به گونه‌ای باشد که بتواند درآمدهایی متناسب با ارزش ارائه شده به مشتری به دست آورد و به این ترتیب موقعیتش را نسبت به مشتریان، کالاهای مکمل، رقبا و تازه واردین بالقوه حفظ کند (Riley, 2016:1).

معمولاً برای تعیین و تنظیم قیمت کالاها و خدمات باید سه نکته را مدنظر داشت؛ نخست، برای قیمت‌گذاری باید به هزینه‌ها توجه کرد. به عبارت بهتر، قیمت تعیین شده باید هزینه‌های تولید، توزیع و بازاریابی یک کالا یا خدمت را پوشش دهد (Hofstrand, 2007). دوم، برای تثبیت قیمت یک محصول باید به قدرت خرید مصرف‌کنندگان و سطح درآمد آنان نیز توجه نشان داد و بر مبنای آن، کالا یا خدمت را به بازار عرضه کرد. سوم، برای قیمت‌گذاری کالاها و خدمات باید به قیمت محصولات مشابه در بازار نیز توجه داشت، زیرا ارزش کالاها و خدمات یک تولیدکننده تحت تأثیر قیمت ارائه شده از سوی رقیبانش است.

۲-۱. واضعان قیمت

علم اقتصاد همواره با این پرسش روبرو است که چه کسی یا کسانی قیمت را در بازار تنظیم و تثبیت می‌کنند و این مهم بر چه اساسی صورت می‌گیرد. البته لازم به ذکر است که پدیده قیمت‌گذاری و واضعان آن در علم حقوق نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. از این رو ابتدا واضعان قیمت از منظر علم اقتصاد را مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس به اهمیت این موضوع از حیث حقوقی خواهیم پرداخت. تا پیش از دوران رنسانس، کشورها در حوزه تجارت و بازرگانی با یکدیگر روابط

چندانی نداشتند؛ بنابراین معاملات تجاری هر کشور محدود به مرزهای داخلی آن می-شد. در این شرایط که از آن به بازارهای سنتی نیز یاد می‌کنند، تعیین قیمت یک کالا یا خدمت بر عهده مالک تجارت‌خانه بوده است. به عبارت دیگر، این شخص مالک بود که قیمت محصولات تجاری خود را تنظیم و آن‌ها را به بازار عرضه می‌داشت (Corrick, 2015:33). تحولات دوران رنسانس تا حدی باعث شکوفایی تجارت بین‌الملل شد. در این برهه زمانی، اگرچه شاهد روابط تجاری گسترده و قوام یافته بازرگانان در مفهوم امروزی نبودیم، اما در خصوص تجارت برخی اقلام مانند مواد خام، اسلحه و غیره بازار از حالت انحصاری خارج شده و بعضاً چند شخص حقیقی یا حقوقی در امر تولید و عرضه کالاها دخالت می‌کردند. در این زمان تجار ابتدا با یکدیگر مذاکره می‌کردند و در نهایت قیمت را به بازار اعلام می‌داشتند.

پس از پا گذاشتن به عصر مدرن و توسعه روزافزون تجارت، بازارهای کوچک چند ملیتی گسترش یافتند. در این دوره، قیمت کالا یا خدمت را تنها یک تاجر و یا یک شرکت تعیین نمی‌کرد، بلکه مجموعه‌ای از تجار یا شرکت‌های تجاری با در نظر گرفتن مسائلی همچون تاریخ ارسال، تاریخ تحویل محصول به مشتری، شیوه تحویل کالا و خدمت و غیره در معاملات تجاری خود با یکدیگر به تعیین قیمت محصولات مبادرت می‌ورزیدند. (balasubramaniam, 2009).

از سوی دیگر، در علم اقتصاد با دیدگاه دیگری مواجه هستیم که تعیین بهای یک کالا یا خدمت را امری فراتر از دخالت یک یا چند شخص تصور کرده است. از این منظر، قیمت‌گذاری تنها به تولیدکنندگان مربوط نبوده، بلکه مصرف‌کنندگان نیز با ابراز تمایلات خود نسبت به یک محصول در تعیین و تثبیت قیمت آن نقش به‌سزایی دارند (Beranek, 2015). بر این اساس، هنگامی که با کمبود عرضه یا تقاضا در بازار مواجه نباشیم قیمت صحیح یک محصول مشخص می‌شود. به عبارت دیگر، محل تلاقی عرضه و تقاضا در بازار بیان می‌دارد که چه قیمتی برای محصول ارائه شده مناسب است، بی‌آنکه شخص یا اشخاصی مستقیماً در تنظیم آن مداخله کنند.

دسته دیگر از اقتصاددانان بر این باور استوارند که قیمت‌گذاری وظیفه دولت

است. ایشان معتقدند با توجه به حمایت‌های دولت از هر دو گروه تولیدکننده و مصرف‌کننده بهتر است این مهم را به دولت واگذار کنیم. امری که در کشورهای جهان سوم به شدت اتفاق می‌افتد و در نهایت منجر به سیاست‌های کنترل قیمت و تعیین قیمت‌های غیرواقعی در بازار می‌شود (حسینی، ۱۳۸۴: ۲۷۰-۲۶۸؛ باغستانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۵).

در علم حقوق نیز قیمت‌گذاری از این حیث که ممکن است برای دولت‌ها مسئولیت بین‌المللی ایجاد کند، حائز اهمیت است. در حقوق بین‌الملل دخالت دولت‌ها در بازار و تعیین قیمت کالاها و خدمات، ممکن است زمینه را برای پذیرش مسئولیت آن‌ها در فعالیت‌های غیر حاکمیتی فراهم سازد. به عبارت دیگر، دولت با دخالت در قیمت‌گذاری محصولات که عمدتاً به بخش خصوصی و میزان عرضه و تقاضای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تعلق دارد، بازار را کنترل کرده و تجارت آزاد را با خلل مواجه می‌سازد. از این رو، سایر کشورهایی که از رفتارهای کنترل‌گرایانه دولت مزبور دچار آسیب شدند از حق جبران خسارت برخوردار هستند.

۳-۱. قیمت‌گذاری دوگانه

یکی از مهم‌ترین مباحث قیمت‌گذاری در حال حاضر، «قیمت‌گذاری دوگانه»^۱ است. این شیوه از قیمت‌گذاری اگرچه طرفداران بی‌شماری دارد اما در سال‌های اخیر از سوی کشورهای توسعه یافته با مخالفت‌های جدی همراه بوده است. «قیمت‌گذاری دوگانه» یا «قیمت‌گذاری مضاعف» چنانچه از نامش پیداست استراتژی وضع دو قیمت متفاوت برای کالاها یا خدمات یکسان و مشابه در بازارهای مختلف است. (business dictionary, 2017) به بیان روشن‌تر، گاهی یک دولت با در نظر گرفتن قیمت ترجیحی و با هدف حمایت از این صنایع، کالاهای اولیه را با قیمت پایین‌تر از بازار جهانی به این بخش تزریق می‌کند و بدین ترتیب تلاش می‌دارد تا موضع صنایع خود را در بازارهای جهانی تقویت کند. از سوی دیگر، گاهی شاهد این

1. Dual Pricing.

هستیم که یک دولت با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و روابط خود با سایر کشورها، برخی محصولات خاص را با قیمت بسیار کم‌تری به یک کشور یا منطقه خاص صادر می‌کند. حال آن‌که دیگر کشورها از این قیمت ترجیحی و نازل‌تر محروم هستند. به عنوان مثال، ممکن است کشورهای مسلمان برای حمایت از یکدیگر مواد اولیه و خام را فقط در بین خودشان با قیمت کم‌تری به فروش برسانند. البته، باید توجه داشت تنها تفاوت قیمت بین بازارهای داخلی و خارجی منجر به بروز قیمت مضاعف خواهد شد؛ به طوری‌که تولیدکنندگان برای مشتریان خود در بازار داخلی قیمتی بسیار نازل‌تر تعیین کرده و در صورت صادرات همان محصول به بازارهای خارجی، با توجه به ارزش پرداختی کشور مورد نظر قیمت بالاتری تعیین می‌کنند (WTO Report, 2010:173-175 & 188).

قیمت‌گذاری مضاعف معمولاً برای دستیابی به اهداف متفاوتی صورت می‌گیرد، اما عمده‌ترین انگیزه برای وضع آن، به دست آوردن بازارهای خارجی، تبعیض فاحش قیمت و در نهایت سوق دادن بازار به سوی انحصار کامل است. این مسئله هنگامی‌که واحد پول بازار داخلی و خارجی یکسان باشد شدت بیشتری می‌یابد، زیرا در حالت عادی که میان پول داخلی و خارجی تفاوت وجود دارد، تولیدکننده می‌تواند به بهانه هزینه‌های گزاف مبادله به سیاست وضع قیمت مضاعف در بازار متوسل شود، اما زمانی‌که هیچ اختلافی میان پول ملی و خارجی نبوده و بازار از قاعده «قیمت‌های یکسان» پیروی کند، استفاده از این استراتژی به ایجاد رقابت مکارانه یا تبعیض‌آمیز می‌انجامد.

اگرچه قیمت‌گذاری دوگانه مانع تجارت آزاد است و موازنه اقتصادی را برهم می‌زند اما امری غیرقانونی تلقی نشده و حتی در برخی از صنایع بسیار رایج است، مگر آن‌که وضع قیمت مضاعف منجر به بروز دامپینگ در بازار شود که در آن صورت دولت‌ها با آن مخالفت می‌کنند. به عنوان مثال، تا پایان دهه ۱۹۹۰ میلادی در اسپانیا تولیدکنندگان محصولات دارویی قیمت پایین‌تری برای عمده‌فروشان که قصد فروش اقلام دارویی در داخل کشور را داشتند تعیین می‌کردند، در حالی که برای عمده-

فروشان‌ی که قصد صادرات همان محصول را داشتند این مبلغ بسیار بالاتر بود. پس از گذشت مدت زمان کوتاهی سیاست تولیدکنندگان اسپانیایی با اعتراضات گسترده‌ای از سوی اعضای اتحادیه اروپا مواجه شد، زیرا به زعم مقام‌های اروپایی رفتار اسپانیا به تجارت آزاد در اروپا لطمه وارد ساخته و قوانین تجاری اتحادیه را نیز نقض کرده است (Inno-group, 2014:8-10; Rice, 2010). در سال ۲۰۰۱، کمیسیون اروپایی اعلام داشت رفتار تولیدکنندگان اسپانیایی نقض ماده ۱۰۱ معاهده «عملکرد اتحادیه اروپایی»^۱ و ماده ۸۱ «قانون رقابت»^۲ کمیسیون اتحادیه اروپا محسوب شده و این دولت باید فوراً نسبت به حذف موانع تجاری ایجاد شده گام بردارد (Goldschmidt & Lanz, 2001:16-21). هرچند تولیدکنندگان دارویی اسپانیا از حکم صادره از سوی کمیسیون تجدیدنظر خواهی کردند اما در نهایت مجبور شدند روش قیمت‌گذاری خود را تغییر داده و رفتارشان را با الگوی قیمت واحد تطبیق دهند. مقامات اسپانیا مسئولیت نظارت و هماهنگی نظام قیمت واحد در بازارهای مشترک را بر عهده گرفتند و تولیدکنندگان دارویی نیز با انعقاد قراردادهای بسیار جزئی، عمده فروشان را مکلف کردند که در فواصل معین جزییات فروش خود را به کارخانه‌ها اعلام کنند. این عمل دولت را قادر ساخت تا به صورت شفاف از میزان فروش داخلی و صادرات محصولات دارویی آگاهی یابد. همچنین به موجب این رفتار چنانچه قیمت صادرات در اتحادیه اروپا نازل‌تر از هزینه‌های تولید بود دولت این امکان را می‌یافت تا با پرداخت یارانه از فروشندگان خود حمایت کند.

یکی دیگر از مباحث مورد مناقشه در خصوص قیمت‌گذاری مضاعف، تعیین قیمت انرژی است. کشورهای صادرکننده انرژی عمدتاً با هدف حمایت از کارخانه‌های پایین دستی خود و همچنین برای مصارف داخلی، به کنترل قیمت حوزه انرژی پرداخته و قیمت آن را به صورت صوری و غیرواقعی کاهش می‌دهند. کنترل قیمت منجر به تفاوت فاحش قیمت انرژی میان تولیدکنندگان داخلی و تولیدکنندگان خارجی می‌شود و بنا به نظر اقتصاددانان در درجه اول به نفع تولیدکنندگان محصولات مانده

1. TFEU: Treaty on the Functioning of the European Union.

2. EC: European Competition Law

کود، آهن آلات و مواد شیمیایی است. از آنجایی که تولیدکنندگان صنایع داخلی بهای واقعی انرژی در بازار را نمی‌پردازند، این شرایط اثرات مخربی بر روی توان تولید واردکنندگان کالا گذاشته و رقابت آن‌ها با تولیدکنندگانی که از قیمت پایین بهره می‌برند را ناعادلانه می‌سازد (Mathur, 2014:30-31).

هدف دیگری که کشورهای صادرکننده انرژی از کنترل قیمت در این حوزه دنبال می‌کنند، تشویق تولیدکنندگان داخلی به صادرات کالاها و خدمات است. بدین ترتیب، تولیدکنندگان داخلی با پرداخت مبلغ نازل‌تر برای تأمین انرژی اولیه کارخانه خود، در مقایسه با تولیدکنندگان خارجی از موقعیت بهتری برخوردار شده و با پایین آوردن هزینه‌های تولید می‌توانند صادرات بیشتری انجام دهند. هرچند هدف مزبور کمتر مورد استقبال دولت‌ها قرار گرفته اما گاهی مشاهده شده که دولت‌ها برای بهبود سطح صادرات خود به آن توسل جویند. این اقدام دولت‌ها که از آن تحت عنوان «پارانه‌های پنهان»^۱ نیز یاد می‌شود، رقابت سالم و تجارت آزاد جهانی را با اختلال روبرو می‌کند.

بسیاری از طرفداران استراتژی قیمت‌گذاری دوگانه بر این باور استوار هستند که سیاست تعیین دو قیمت برای یک محصول سبب می‌شود میزان تمایلات جهانی نسبت به مصرف برخی کالاها مهم و ضروری همانند سوخت‌های فسیلی کاهش یابد و به این ترتیب برای مدت زمان بیش‌تری بتوانیم از آن‌ها بهره ببریم. از سوی دیگر، آن‌ها همواره بر این نکته تأکید می‌کنند که اگرچه اتخاذ سیاست وضع قیمت مضاعف منجر به اعطای یارانه و حمایت از برخی صنایع می‌شود، اما دولت‌ها درصدد هستند تا با تقویت توانایی تولیدکنندگان خود آن‌ها را برای ورود به بازارهای جهانی آماده سازند و به تدریج یارانه‌ها را حذف کنند. در مقابل، مخالفین استراتژی قیمت‌گذاری مضاعف معتقدند تعیین دو قیمت متفاوت برای یک کالا یا خدمت باعث گسترش تبعیض در تجارت آزاد شده و رقابت مکارانه را افزایش می‌دهد. هم‌چنین، این سیاست سبب می‌شود درخصوص کالاها ضروری و حیاتی بازار سیاه ایجاد شده و نهایتاً صادرات کشورهایی را که برای تولیدکنندگانشان برنامه‌های حمایتی در نظر نگرفته‌اند با آسیب

جدی روبرو سازد (Hoff, 2014:11-14).

۲. انرژی و سازمان جهانی تجارت

چنانچه گذشت تعیین قیمت انرژی به یکی از مسائل بحث برانگیز در دنیای تجارت تبدیل شده است. این بدان علت است که انرژی رکن لاینفک تجارت محسوب شده و تقریباً در تمام بخش‌های تجاری به طور مستقیم و یا غیرمستقیم مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر هم اینک کلیه واحدهای تولیدی، صنعتی و مصرفی برای حیات خود ناگزیر به استفاده از انرژی هستند. از این رو، سازمان جهانی تجارت به عنوان مهم‌ترین نهاد تنظیم‌کننده قوانین تجاری به ساماندهی وضعیت تجارت انرژی و مسائل مربوط به آن پرداخت. در این قسمت سعی می‌کنیم مختصراً به این نکته که آیا اساساً تجارت انرژی در قلمرو سازمان جهانی تجارت می‌گنجد یا خیر و چالش‌های قیمت‌گذاری آن از منظر قوانین این نهاد بپردازیم.

۲-۱- جایگاه انرژی در سازمان جهانی تجارت

این حقیقت وجود دارد که تا چندین سال انرژی در سازمان جهانی تجارت مورد توجه قرار نگرفته است و یا دست کم از رویه اعضا اینگونه برداشت می‌شد که حوزه انرژی از شمول قوانین گات و سازمان جهانی تجارت خارج است. (UNCTAD/ITCD/TSB/9, 2000:14) دلایل مختلفی برای ابراز چنین دیدگاهی وجود دارد: نخست، هیچ کدام از کشورهای اصلی تولیدکننده و صادرکننده نفت و دیگر انرژی‌ها جز اعضای اولیه و موسس گات ۱۹۴۷ نبودند. دوم، کارتل‌های نفتی مانند شرکت «هفت خواهر»^۱ ترجیح می‌دادند خارج از قوانین جهانی تجارت به کسب و کار خود ادامه داده و سود به دست آورند. (شیروی، ۱۳۹۵: ۱۲۶) سوم، تا مدت‌های نسبتاً

۱. شرکت هفت خواهر: یک اصطلاح متداول برای هفت شرکت چندملیتی نفتی است که از اواسط دهه ۱۹۴۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، صنعت نفت را تحت سلطه خود داشت. این هفت شرکت عبارت اند از: بی‌پی، اکسون، رویال داج شل، گالف اویل، تکزاکو، موبیل و شورون.

طولانی انرژی و مشخصاً نفت به عنوان یک کالای استراتژیک مطرح بوده و نقش مهمی در جنگ‌های جهانی اول و پس از آن داشته است (نصیری، ۱۳۸۴: ۱۲۸)؛ بنابراین دولت‌ها برای جلوگیری از بروز تنش بر سر کنترل ذخایر تصمیم گرفتند که این کالای استراتژیک را در زمان مذاکرات گات، از آن مستثنی کنند و بدین ترتیب جنبه‌های سیاسی استراتژیک نفت، جنبه‌های فنی گات را زیر سوال نبرد.

علاوه بر موارد فوق‌الذکر، صدور قطعنامه ۱۸۰۳ مجمع عمومی ملل متحد درخصوص حاکمیت دائمی دولت‌ها بر منابع طبیعی تجدیدناپذیرشان و گزارش ۱۹۸۸ دبیر کل سازمان جهانی تجارت این نظر را تقویت کرد که تجارت انرژی خارج از قلمرو صلاحیت قوانین گات قرار دارد (WTO: S/C/W/52:1998). قطعنامه ۱۸۰۳ با بیانی صریح و شفاف به ابعاد مختلف اقتصادی اصل حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود مانند حق انتقال، استفاده و کنترل منابع طبیعی، حق وضع قانون سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه منابع طبیعی، تکلیف جامعه جهانی به همکاری با کشورهای جهان سوم و رعایت حسن نیت در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری خارجی پرداخته است (A/RES/1803(XVII):1962). همچنین قطعنامه‌ی مزبور، اصل حاکمیت دائمی بر منابع طبیعی و ثروت‌های عمومی را حق مردم و ملت‌ها دانسته که می‌بایست در راستای توسعه ملی و به نفع ایشان اجرا شود؛ بنابراین، اصل حاکمیت دائمی دولت‌ها به آن‌ها این امکان را می‌دهد که برای حفظ منابع طبیعی خود و در چارچوب استثنائات کلی گات، اصول بنیادین گات را نادیده بگیرند.

به موجب گزارش دبیرکل سازمان جهانی تجارت نیز اقدامات اعضا در جهت حفظ ذخایر تجدیدناپذیر خود در صورتی که برای محدودسازی تولید و مصرف داخلی (GATT: 1945, Art: XX (g)) و یا برای حفظ امنیت ملی دولتها انجام گرفته باشد (GATT: 1945, Art: XXI) منطبق با روح کلی گات است و به نوعی استثنایی بر اصول بنیادین آن به شمار می‌رود. بر اساس گزارش دبیرکل، به نظر می‌رسد انرژی‌های تجدیدناپذیر مانند نفت و گاز به صورت ضمنی از قلمرو شمول مقررات گات خارج شده است.

البته باید به این نکته توجه داشت که نه تنها هیچ یک از قوانین گات ۱۹۴۷ و یا موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت به صراحت انرژی را از دایره شمول خود خارج نکرده بلکه تعرفه سوخت‌های فسیلی مانند نفت از همان ابتدا تا به امروز در جدول تعرفه‌ها و امتیازات اعضا مورد اشاره قرار گرفته است. (GATT: 1945, Art: II (a)) مضاف بر اینکه «سامانه هماهنگ‌شده شماره‌گذاری کالا»^۱ که کلیه کالاهای تجاری دنیا را طبقه‌بندی می‌کند و مبنای جدول تعرفه‌های اعضای سازمان جهانی تجارت نیز به شمار می‌رود، بخشی را به مواد پتروشیمی خام و مشتقات آن اختصاص داده است (Harmonized System Convention, Chapter 27).

البته این ایراد همواره مطرح بوده است که اعضای سازمان جهانی تجارت، هیچ تعهد الزام‌آوری درخصوص پایبندی به تعرفه‌های مندرج در سامانه مزبور ندارند و از این رو می‌توانند عوارض گمرکی سنگینی برای واردات این قبیل کالاها وضع کنند؛ اما این حقیقت را نباید از نظر دور داشت که هیچ یک از اعضای سازمان جهانی تجارت مجاز به نقض اصول اولیه گات و اتخاذ رویه‌هایی مغایر با اصل رفتار ملی نیستند.

لازم به ذکر است که علیرغم وجود قوانین متعدد گات و سازمان جهانی تجارت درخصوص تجارت انرژی، در عمل این مسئله اغلب اوقات نادیده گرفته شده است. بدین ترتیب با وجود این‌که تغییرات قابل ملاحظه‌ای در طول تاریخ، جهت گسترش قلمرو شمول انرژی در سازمان جهانی تجارت صورت پذیرفت اما پیچیدگی‌های تجارت انرژی سبب شده تا مسائل حل نشده متعددی پیش روی سازمان قرار گیرد. به عنوان مثال، در دور دوحه اعضای سازمان جهانی تجارت عملاً «خدمات انرژی» را به عنوان یک موضوع مستقل به رسمیت شناختند اما این سازمان تاکنون موفق به ارائه تعریفی از محصولات انرژی نشده و فهرست مربوط به خدمات انرژی نیز یک جدول موقتی است.

مسئله دیگر دشواری تفکیک میان کالا و خدمات انرژی در جنبه‌های مختلف تجاری است، زیرا بیش‌تر معاملات تجاری انرژی در سطح جهانی در واقع هر دو

بخش را در برمی‌گیرد. در این خصوص می‌توان به قضیه شهرداری «آلملو» هلند و شرکت انرژی «آی.جی.سی» این کشور درباره رقابت شرکت‌های توزیع‌کننده انرژی بر سر خدمات منافع عمومی - موافقتنامه محدودیت واردات الکتریسته - اشاره کرد (Almelo V. Energiebedrijf IJsselmij: 1994). به موجب این دعوی، دیوان دادگستری اروپایی انرژی الکتریسته را نه به عنوان خدمات بلکه به عنوان یک کالای تجاری در نظر گرفته است. با این وجود، سازمان جهانی تجارت در این حوزه از انرژی نیز از دادگاه‌های اروپایی عقب‌تر است؛ در حالی که در کشورهای اروپایی بحث بر سر کالا یا خدمت بودن انرژی الکتریسته است، سازمان جهانی تجارت انرژی برق را در هیچ گروهی قرار نداده است.

یکی دیگر از مسائل مناقشه‌آمیز در خصوص انرژی، تشخیص «کالای مشابه» به واسطه قوانین سازمان جهانی تجارت است (GATT: 1947, Art: III (2), (4)). شناخت این امر که آیا انرژی‌های تجدیدپذیر مشابه انرژی‌های فسیلی و تجدیدناپذیر هستند، اعضا را ملزم به رعایت اصل دولت کامله‌الوداد، عدم تبعیض، منع وضع تعرفه‌ها و عدم تخصیص یارانه‌ها می‌کند. به عبارت دیگر، شبیه پنداشتن انرژی‌های تجدیدشونده و فسیلی منجر به افزایش تعهدات اعضا و مسئولیت آنان خواهد شد. علاوه بر موارد فوق‌الذکر، ترانزیت انرژی نیز از دیگر چالش‌های سازمان جهانی تجارت به شمار می‌رود. از آنجایی که انرژی در سازمان جهانی تجارت تعریف نشده است، حمل و نقل این قبیل کالاها نیز به موجب ماده ۵ مورد تردید واقع شده است (GATT:1947, Art: V (1)). به عنوان نمونه، این مسئله مشخص نیست که آیا زیرساخت‌ها و یا انتقال انرژی توسط خطوط لوله جزء حمل و نقل و آزادی ترانزیت محسوب می‌شود یا خیر (Azaria, 2015:560).

با بررسی سوابق مذاکرات چند جانبه تجاری و قوانین سازمان جهانی تجارت در می‌یابیم که اگرچه در ادوار مذاکراتی و اسناد مربوط به آن مستقیماً به انرژی اشاره نشده است، اما موافقت‌نامه‌های متعددی مانند موافقتنامه یارانه^۱، قیمت‌شکنی، موانع فنی فرا

راه تجارت و غیره در این سازمان وجود دارد که بر سیاست‌های کشورهای تولیدکننده انرژی اثر می‌گذارد.

در حال حاضر، وضعیت بخش انرژی در سازمان جهانی تجارت مانند وضعیت محصولات کشاورزی قبل از دور اروگوئه است که نه کاملاً از تصمیمات چندجانبه تجاری مستثنی شده و نه کاملاً در حوزه آن قرار می‌گیرد (Marhold, 2013:4). سیر تاریخی تحولات انرژی به خوبی نشان می‌دهد که سیاست‌های توسعه سنتی انرژی در حوزه یارانه‌ها، سرمایه‌گذاری‌های خارجی و حتی خدمات نیاز به تغییرات اساسی دارد. از سوی دیگر، علاقه روزافزون کشورهای اصلی صادرکننده انرژی به الحاق در سازمان جهانی تجارت نسبت به دو دهه گذشته موجب شد تا دولت‌های مزبور مجبور به آزادسازی و خصوصی‌سازی انرژی در کشور خود شوند. مذاکرات الحاق کشورهای دارنده انرژی، تلاش آنان برای حفظ مزیت نسبی کالاهای خود و بازار داخلی‌شان نقش مهمی در شکل‌گیری قوانین سازمان جهانی تجارت در بخش انرژی ایفا خواهد کرد.

۲-۲. قیمت‌گذاری دوگانه انرژی در مذاکرات سازمان جهانی تجارت

چنانچه پیش‌تر ذکر شد، قیمت‌گذاری دوگانه به معنی وضع قیمت کم‌تر برای کالاهای داخلی نسبت به کالاهای خارجی و یا فروش کالای ارزان‌تر مانند نفت به برخی از کشورهای خاص است. این شیوه از قیمت‌گذاری که بیش‌تر از سوی کشورهای در حال توسعه اتخاذ می‌شود، اثرات سوئی بر رقابت عادلانه و تجارت بین‌الملل بر جای می‌گذارد. از این رو، در چند دهه اخیر ابرقدرت‌های اقتصادی به مقابله با آن پرداخته‌اند و عملکرد کشورهای در حال توسعه را به شدت مورد انتقاد قرار داده‌اند. بحث میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در خصوص سیاست تعیین قیمت مضاعف برای کالاها و خدمات و به طور خاص انرژی به سال ۱۹۴۸ میلادی و تأسیس «سازمان بین‌المللی تجارت»^۱ و «منشور هاوانا»^۲ باز می‌گردد

1. ITO: International Trade Organization
2. Havana Charter

(Selivanova, 2008: 51). یکی از اصلی‌ترین محورهای مذاکرات تأسیس سازمان مذکور، پرداختن به وضعیت تجارت انرژی و منابع طبیعی بوده که عمدتاً درخصوص ایجاد تعادل میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، انباشتگی سهام و نوسانات قیمت کالاهای اولیه، صورت می‌گرفت. در این زمان، موافقت‌نامه‌های متعددی مانند موافقت‌نامه‌های کاهش موانع تعادل میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان جهت رسیدگی به مشکلات تجارت کالاهای اولیه، دسترسی به قیمت عادلانه مصرف، جلوگیری از نوسانات قیمت، گسترش منابع طبیعی و حفاظت از آنها در برابر مصارف غیرضروری، توسط دولت‌ها تنظیم شد. (Havana Charter, Art:56) با این حال موافقت‌نامه‌های مزبور، گسترش مصرف و توسعه صنایع ثانوی با بهره‌گیری از منابع طبیعی اولیه را به عنوان یک هدف در نظر داشتند و همین امر منجر به بروز تغییراتی در سیاست‌های قیمت‌گذاری شد. به عنوان مثال، بدنبال اقدامات دولت‌ها جهت کاهش قیمت منابع طبیعی از جمله گاز، سرمایه‌گذاری‌های نوینی در بخش پتروشیمی ایجاد شد. از سوی دیگر پیش‌نویس منشور هاوانا، موارد تثبیت قیمت کالاهای داخلی و یا منفعتی که تولیدکنندگان داخلی به خاطر پایین بودن قیمت مواد اولیه به دست می‌آوردند را «یارانه صادرات» تلقی نکرد. این بدین سبب بود که بسیاری از کشورهای صادرکننده انرژی در این موافقت‌نامه حضور نداشتند و سایر اعضای موسس مانند هلند، نروژ و بریتانیا نیز در آن زمان منابع نفتی و گازی خود را کشف نکرده بودند (Selivanova, 200:52). البته لازم به ذکر است که سازمان بین‌المللی تجارت به علت مخالفت‌های ایالات متحده هیچ‌گاه تأسیس نشد و مجموع اتفاق‌های فوق‌الذکر سبب شد، صحت دخالت دولت‌ها در تعیین قیمت و سیاست‌های قیمت‌گذاری مضاعف درخصوص انرژی در آن زمان نامشخص باقی بماند.

بحران نفتی در دهه ۱۹۷۰، باعث شد برخی کشورهای توسعه‌یافته به ویژه ایالات متحده آمریکا، برای اطمینان یافتن از این مسئله که کشورهای صادرکننده انرژی، دیگر صادرات این کالا را با محدودیت مواجه نمی‌سازند، فرصت‌های آنان را کاهش داده و قیمت‌گذاری دوگانه را به طور جدی در مذاکرات توکیو مطرح کنند

(Venn, 2013:161). البته با مخالفت و پافشاری بسیاری از کشورها، مذاکرات هیچ‌گاه در قالب یک موافقتنامه مؤثر امکان تجلی پیدا نکرد.

نزدیک به ده سال بعد، در خلال دور اوروگوئه بار دیگر کشورها درصدد برآمدند مشکلات ناشی از قیمت‌گذاری مضاعف را در نشست وزیران گات حل کنند (Stewart, 1993:472). در دور اوروگوئه، دو رویکرد متفاوت بروز پیدا کرد؛ برخی از کشورها که عمدتاً نیز در حال توسعه بودند، خواستار محدودسازی بیشتر صادرات بودند. در مقابل سایر دولت‌ها، دسترسی محدود به بازارهای جهانی و منابع طبیعی اولیه را خطری برای تجارت آزاد می‌پنداشتند. از این رو، هیئت خاصی به منظور بررسی تجارت محصولات انرژی بنیان، دسترسی به منابع طبیعی و اقدامات محدودکننده اعضا تشکیل یافت (Uruguay Report, 1987: para.11). علاوه بر این، کشورهای عضو جامعه اروپا و ایالات متحده آمریکا پیشنهاد دادند تا گات، با مدنظر قرار دادن حق حاکمیت دولت‌های صاحب انرژی بر منابع طبیعی‌شان تکلیف برخی مسائل مانند رویه کشورهای صادرکننده انرژی، محدودیت‌های صادراتی و قیمت‌گذاری مضاعف را مشخص کند (Uruguay Report, 1989:para.5). به زعم ایشان، سیاست وضع قیمت دوگانه با تفویض امتیازات غیرواقعی به تولیدکنندگان داخلی، تجارت جهانی را با آسیب مواجه می‌ساخت. این دولت‌ها بر این باور بودند که رفتار دولت‌های صادرکننده انرژی و مزایایی که آنان برای تولیدکنندگان داخلی خود در نظر می‌گیرند، با مفهوم «مزیت نسبی»^۱ مغایرت دارد و قیمت کالاهای انرژی بنیان می‌بایست بطور آزادانه توسط بازار و بر مبنای میزان عرضه و تقاضا تعیین شود (MTN.GNG,^۲

1. Comparative Advantage

۲. مزیت نسبی عبارت است از توانایی یک کشور در تولید و صدور کالایی با هزینه نسبی کمتر و قیمت ارزانتر. به این مفهوم که هر کشوری که در کالای خاصی مزیت نسبی دارد در تولید و صادرات آن کالا تخصص پیدا خواهد کرد و در مقابل، کالاهایی را که در آنها مزیت نسبی ندارد از سایر کشورها وارد خواهد کرد تا نیاز تقاضا کنندگان را پاسخگو باشد. اگر این تعریف از مزیت نسبی را بپذیریم، در آن صورت وجود صادرات می‌تواند نشان‌دهنده مزیت نسبی در کالاهای صادراتی و وجود واردات نشان دهنده عدم مزیت نسبی در کالاهای وارداتی باشد. هدف از مزیت نسبی که یک اصل پذیرفته شده در تجارت بین‌الملل است و در امور تجاری نیز به طور گسترده رعایت می‌شود، تسهیل تجارت و انتفاع طرفین معامله است. در حالی که در نظر گرفتن قیمت ترجیحی از سوی دولت برای منابع طبیعی به تولیدکنندگان داخلی این امکان را می‌دهد که در یک شرایط ناعادلانه در مقایسه با تولیدکنندگانی که از چنین امتیازی برخوردار نیستند، قرار گیرند و بدین ترتیب توان رقابتی-

(Selivanova, 2008:54) (Mathur, 2014: 9) (1988/NG10/W20: note.245). دولت استرالیا نیز پیشنهاد داد با تشدید قوانین مربوط به یارانه های داخلی که بر تجارت کالاهای انرژی بنیان اثر می گذارد، مشکلات پیش روی قیمت گذاری دوگانه را حل کنند (MTN.GNG,1987/NG10/5: para.7).

در سال ۱۹۹۰، تعدادی از نمایندگان در گروه مذاکره کننده در خصوص محصولات انرژی بنیان، اعلام داشتند سیاست های تعیین قیمت منابع طبیعی می تواند به طور مستقیم سوبسید تلقی شود (MTN.GNG, 1988/NG3/19: para.7). از این رو، لازم است دولت ها به شیوه قیمت گذاری ثابت ترغیب شوند و از ارائه یارانه یا بازارشکنی بپرهیزند. در مقابل برخی دیگر از نمایندگان اعتقاد داشتند، محدودیت صادرات منابع طبیعی منطبق با مواد ۱۱ و ۲۰ گات است. به موجب مواد مذکور، استثنائات عمومی و محدودیت صادرات به علت موارد بحرانی یا حفظ منابع طبیعی تمام شدنی، امری پذیرفتنی است. اما استدلالات هیچ یک از نمایندگان، تحت موافقت نامه ای انعکاس نیافت. علت این امر آن است که قیمت گذاری انرژی با حق حاکمیت دولت ها بر منابع طبیعی شان، مستقیماً پیوند خورده است. از این رو، عملکرد دولت ها در این باره بسیار بحث برانگیز است. سیاست تعیین قیمت منابع طبیعی از جمله انرژی، از سوی کشورهای صادرکننده نوعی یارانه محسوب می شود و از آنجایی که سیاست مزبور رو به افزایش است، جای تعجب نداشت که مذاکرات قیمت گذاری مضاعف در دور اوروگوئه با شکست مواجه شود.

اثرات سوء قیمت گذاری دوگانه انرژی بر روی تجارت، باعث شد بعد از تأسیس سازمان جهانی تجارت نیز مذاکرات در این خصوص ادامه یابد. در دور دوحه^۱، ایالات متحده آمریکا بار دیگر بیان داشت که رویه تعیین قیمت ترجیحی برای منابع طبیعی از سوی کشورهای صادرکننده انرژی همچنان ادامه دارد و این مسئله می تواند به

شان به شکل غیرمنصفانه ای افزایش یابد. این اقدام که منجر به برهم خوردن نظام تجارت آزاد و شرایط بازار عادلانه می شود با هدف و فلسفه مزیت نسبی مغایرت دارد.

1. Doha Development Round (2001)

تجارت آسیب وارد سازد (TN/RL/W/78, 2003).^۱ نمایندگان این دولت اعتقاد دارند، دولت‌ها با اعطای یارانه به تولیدکنندگان داخلی و تعیین قیمت نازل‌تر برای مواد اولیه به نسبت قیمت جهانی و همچنین از طریق کنترل قیمت و تضمین ارزش بازار، مزیت نسبی غیرعادلانه‌ای ایجاد می‌کنند. نمایندگان جامعه اروپا نیز ابراز داشتند، قوانین سازمان جهانی تجارت در خصوص یارانه‌ها مؤثر و کافی نیست و باید یک راه‌حل مناسب برای برخورد با قیمت‌گذاری مضاعف انرژی اتخاذ شود (TN/RL/GEN/135, 2006).^۲ از این رو، اعضای جامعه اروپا پیشنهاد دادند ماده ۳ موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات متقابل اصلاح شود. سایر کشورهای واردکننده انرژی نیز اظهار داشتند چنانچه مشکلات قیمت‌گذاری مضاعف برطرف نشود، وضعیت تجاری آنان با خطر رو به رو خواهد شد و این دولت‌ها برای جبران خسارات وارده تنها می‌توانند از اقدامات متقابل بهره‌گیرند (TN/RL/W/232, 2008).

کشورهای در حال توسعه، در مقام پاسخگویی این‌گونه استدلال کردند که توان اقتصادی محدود آنان ایجاب می‌کند برای تأمین رفاه عمومی و ارتقا سطح تولیدات داخلی خود، در تعیین قیمت دخالت کنند و در نظر گرفتن قیمت نازل‌تر برای انرژی در داخل کشورشان به هیچ عنوان به معنای اعطای یارانه نیست. هم‌چنین این دولت‌ها معتقدند، منابع طبیعی تجدیدناپذیرشان دارای مزیت نسبی واقعی است (TN/RL/W/107, 2003:para.28).^۳

اگرچه دور دوحه با هدف از بین بردن فاصله میان کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته تشکیل شد، اما مخالفت‌های اعضا در مسائل مختلف باعث شد، این مرحله از مذاکرات نیز فعلاً به نتیجه مطلوبی دست نیابد. فلذا نگرانی کشورهای واردکننده درباره سیاست وضع قیمت متفاوت برای انرژی همچنان نیز وجود دارد و دولت‌های مذکور به علت موانع سازمان جهانی تجارت در رابطه با انرژی، ترجیح دادند

1. WTO: Negotiating Group on Rules: Subsidies Disciplines Requesting Clarification and Improvement: Communication from the United States.
2. WTO: Negotiating Groups on Rules: SUBSIDIES: Submission of the European Communities
3. WTO: Negotiating Groups on Rules: NEW DRAFT CONSOLIDATED CHAIR TEXTS OF THE AD AND SCM AGREEMENTS.

مسائل مربوط به حوزه انرژی را در سطح موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه مرتفع کنند.

۲-۳. قیمت‌گذاری مضاعف انرژی در رویه کشورها

چنان‌که می‌دانیم، سازمان جهانی تجارت همواره بر دو اصل «رفتار ملی»^۱ و «کامله-الوداد»^۲ استوار است و سیاست وضع قیمت نیز از این امر مستثنا نخواهد بود. از این رو، اگرچه دولت‌ها از این حق برخوردارند که حداقل و یا حداکثر قیمت کالاها و خدمات خاص خودشان را تعیین کنند، اما نباید دو اصل مهم فوق را نادیده بگیرند. با وجود این، در عمل گاه شاهد آن هستیم که کشورها با مداخله در بازار و تنظیم حداقل و حداکثر قیمت، رفتاری تبعیض‌آمیز در پیش می‌گیرند.

به موجب ماده ۳ موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت، دولت‌ها نباید در مورد محصولات وارداتی یا داخلی به گونه‌ای عمل کنند که متضمن حمایت از تولید داخلی باشد. به عبارت دیگر، اعضا ملزم هستند نسبت به کالاهای مشابه با تولیدات داخلی خود رفتار یکسانی اتخاذ کنند. همچنین وفق قسمت ۹ همین ماده نیز «طرف‌های متعهد تائید می‌کنند که اقدامات مربوط به کنترل حداکثر قیمت داخلی حتی اگر با دیگر مقررات این ماده منطبق باشد، می‌تواند برای منافع طرف‌های متعهد عرضه‌کننده محصولات وارد شده به کشور، آثاری زیان‌بار داشته باشد. بنابراین، طرف‌های متعهدی که چنین اقداماتی را به عمل می‌آورند، به منظور اجتناب از این آثار زیان‌بار تا سر حد امکان، منافع طرف‌های متعهد صادرکننده را در نظر خواهند گرفت».^۳ سیاست کشورها در قیمت‌گذاری انرژی و موضوع تعیین قیمت مضاعف به چالشی جدی در سازمان جهانی تجارت تبدیل شده است و بحث‌های قابل توجهی پیرامون قابلیت اجرایی قوانین این سازمان، میان اعضا در گرفته است.

برخی از دولت‌هایی که در سال‌های اخیر به سازمان جهانی تجارت پیوستند و هم-چنین دولت‌های در حال الحاق از رویه تعیین قیمت پایین‌تر انرژی در داخل کشور به

1. National Treatment
2. MFN: Most Favored Nation
3. Article III & III (9)

شدت دفاع می‌کنند. به اعتقاد این دولت‌ها، مزیت نسبی ایشان در انرژی است. علاوه بر این، در خصوص محصولات انرژی بنیان مانند گاز طبیعی، هیچ قیمت مشخصی در بازار جهانی وجود ندارد.

در زمان الحاق دولت عربستان سعودی به سازمان جهانی تجارت در سال ۲۰۰۵ وضع قیمت مضاعف انرژی از سوی این دولت مورد انتقاد کشورهای واردکننده انرژی قرار گرفت. این امر باعث شد عربستان سعودی در مذاکرات الحاق به شدت تحت فشار قرار بگیرد و در نهایت قیمت دوگانه مربوط به مایع گاز طبیعی^۱ را حذف کند (شیروی، ۲۷: ۱۳۹۵) (WT/ACC/SAU/61, para: 26). مایع گاز طبیعی در صنایع داخلی عربستان با قیمت پایین‌تری نسبت به قیمت صادراتی آن به فروش می‌رسید. (Mitthrop & Christy: 2011: 259-293) این ماده از مشتقات نفت خام بوده و با گاز طبیعی مایع^۲ که بیش‌تر در دسترس قرار دارد، متفاوت است. برخی از اعضای سازمان جهانی تجارت، اظهار داشتند که قیمت نازل مایع گاز طبیعی باعث می‌شود تولیدکنندگان عربستان از یارانه بهره‌مند شوند و این مسئله موجب نگرانی آنان می‌شود. دولت عربستان در مقام پاسخ این گونه استدلال کرد که قیمت فروش داخلی مایع گاز طبیعی بر اساس قراردادهای بلندمدت منعقد شده میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بوده و منطبق با قیمت تعیین شده از سوی بازار جهانی است. هم‌چنین این دولت اعلام داشت که قیمت مایع گاز طبیعی بنا بر ملاحظات تجاری، به‌گونه‌ای تعیین شده تا هزینه‌های تولید را پوشش دهد و سود معقولی را هم برای تولیدکنندگان در نظر بگیرد. به زعم این دولت، اختلاف قیمت داخلی و صادراتی مایع گاز طبیعی نشان‌دهنده هزینه‌های گزاف صادرات در حوزه انتقال، زیر ساخت‌ها، بازاریابی و غیره است. فلذا عربستان، مایع گاز طبیعی را برای تمام مصرف‌کنندگان اعم از عربی و غیرعربی بدون هیچ‌گونه تبعیضی تأمین می‌کند.

با این وجود، در قطعنامه شماره ۶۸ شورای وزیران عربستان در ۲۵ نوامبر ۱۹۹۵، نمایندگان این دولت اذعان داشتند: «صنایع ملی عربستان که از گاز مایع مانند، بوتان،

1. NGL: Natural Gas Liquids
2. LNG: Liquefied Natural Gas.

پروپان و گازوئیل طبیعی استفاده می‌کنند، ۳۰ درصد کمتر از پایین‌ترین قیمت جهانی پرداخت شده از سوی مصرف‌کنندگان در ماورا بحار، برای دسترسی به انرژی اولیه و خوراک پتروشیمی هزینه می‌کنند». تولیدکنندگان اتانول آمریکا، در درخواست ضد دامپینگ خود، این موضوع را مطرح داشتند که ارائه قیمت پایین برای مواد خام مثل گاز و متانول باعث یارانه‌ای شدن ماده‌ای موسوم به «متیل ترت- بوتیل اتر»^۱ می‌شود و همین امر منجر به ایراد خسارت به صنایع اتانول ایالات متحده خواهد شد (U.S.A International Trade Commission, 1999:16).

اتحادیه اروپا نیز نگرانی خود را از تحت تأثیر قرار گرفتن صنایع پتروشیمی خود به واسطه اقدامات عربستان ابراز داشت. از نظر اتحادیه اروپا، رفتار عربستان متضمن «یارانه پنهان» است. انجمن تولیدکنندگان پتروشیمی اروپا، واردات محصولات پتروشیمی عربستان را محل رقابت در بازار اروپا می‌دانند (Mathur, 2014:31).

بسیاری از کارشناسان بر این باورند که اقدامات عربستان، ناقض موافقت‌نامه یارانه و اقدامات جبرانی سازمان جهانی تجارت نیست^۲ (Selivanova, 2008). بر اساس موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، برای این‌که اقدامی یارانه محسوب شود باید: نخست، یک کمک مالی از سوی دولت یا ارکان دولتی در قلمروی یک عضو وجود داشته باشد. دوم، بدین وسیله مزیتی اعطا شود؛ و سوم، جنبه خاص داشته باشد. هم-چنین برای آن‌که بتوانیم با یارانه‌های اعطایی یک دولت مقابله کنیم یارانه‌های مزبور می‌بایست در زمره یارانه‌های ممنوع و یا حداقل قابل تعقیب قرار داشته باشند. بدین منظور نیز ضمیمه نخست موافقت‌نامه یارانه‌ها و اقدامات جبرانی، تحقق سه شرط را برای آن‌که کمک‌های دولت به مشتریان داخلی خود در زمره یارانه‌های خاص و ممنوع قرار گیرد، ضروری دانسته است: ۱. دولت و یا نهادهای وابسته به آن برای کالاهای داخلی یا کالاهای وارداتی که در تولید و صادرات محصول دیگری به کار برده می‌شوند شرایط مطلوب‌تری در نظر بگیرد؛ ۲. شرایط مطلوب فقط به این محصول

1. MTBE: Methyl Tertiary-Butyl Ether

۲. براساس مکاتبات نویسنده با «دانیل فردریک بن» استاد دانشکده حقوق دانشگاه اسلو و «یولیا سلوانو» کارشناس تجارت انرژی مرکز تجارت و ترانزیت انرژی روسیه (۲۰۱۷). اسناد مصاحبه‌های مزبور نزد نویسنده محفوظ است.

اختصاص یابد و شامل کالاهایی که توان رقابت با محصول مورد نظر را دارند و یا کالاهای مشابه نمی‌شود؛^۳. شرایط مطلوب باید نفعی را ایجاد کند که منجر به تبعیض شود، به شرطی که کالاهای داخلی و وارداتی بدون هیچ محدودیتی در دسترس باشند و تنها ملاک برای ترجیح یکی بر دیگری ملاحظات تجاری مثل قیمت نازل‌تر یکی از آن‌ها باشد. البته باید تأکید داشت که شروط مندرج در موافقت‌نامه و ضمیمه آن تنها ناظر به کالاهای صادراتی است و کالاهایی که برای مصارف داخلی تولید می‌شوند را در بر نمی‌گیرد؛ اما در عربستان هزینه‌ای که دولت برای مواد اولیه مورد استفاده در محصولات پتروشیمی دریافت می‌کند از هزینه‌ای که برای مصرف در داخل دریافت می‌کند کمتر است. هم‌چنین به موجب موافقت‌نامه، یارانه در صورتی ممنوع است که «خاص» باشد، در حالی که مواد اولیه با قیمت کمتر در اختیار تمام شرکت‌های فعال در بخش پتروشیمی عربستان قرار می‌گیرد و نه یک شرکت یا صنعت خاص. وفق ماده دوم موافقت‌نامه یارانه‌ها، چنانچه یارانه‌ای به صورت خودکار و صرف‌نظر از معیارها و شرایط عینی در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گیرد، یارانه خاص محسوب نمی‌شود. یکی دیگر از شرایط خاص بودن یارانه، تخصیص آن به تعداد محدودی از شرکت‌ها، بهره‌مندی بنگاه‌های خاص و یا اعطای بدون تناسب آن به برخی از شرکت‌ها و با توجه به تنوع فعالیت‌های اقتصادی آنان است. به نظر می‌رسد موافقت‌نامه در مورد ضوابط تعیین شرکت‌های خاص با ابهام مواجه است و محدودیت آشکاری برای استفاده از یارانه در این نوع از شرکت‌ها ایجاد کرده است، زیرا هر صنعت خاصی از منابع اولیه خاص خود استفاده می‌کند و در این صورت، اعطای هر نوع یارانه به این صنعت ممکن است آن را در چارچوب خاص بودن قرار دهد. برای قابل تعقیب بودن یارانه‌های اعطایی عربستان به تولیدکنندگان داخلی خود نیز شرایطی خاصی مانند اثبات ورود خسارت و لطمه جدی به صنایع سایر کشورها لازم است. اثبات وجود آسیب جدی، خود نیازمند ارزیابی‌های لازم و مورد به مورد است (Mathur, 2014:77).

با توجه به موارد فوق‌الذکر، اثبات این نکته که قیمت‌گذاری دوگانه در عربستان، یارانه تلقی شده و ناقض موافقت‌نامه یارانه و اقدامات جبرانی سازمان جهانی تجارت

باشد بسیار مشکل است. با این حال، مذاکرات الحاق عربستان در خصوص قیمت-گذاری مضاعف، برای سایر دولت‌های متقاضی الحاق به سازمان جهانی تجارت، دو سابقه ایجاد کرد: نخست آن‌که دولت‌ها باید به هزینه‌های بازیابی محصولات انرژی نیز توجه کنند و دوم این‌که مواد اولیه طبیعی می‌بایست بدون تبعیض و صرف‌نظر از تابعیت مصرف‌کنندگان در دسترس آنان قرار بگیرد تا یارانه محسوب نشود.

پس از عربستان، در زمان الحاق دولت فدرال روسیه نیز بحث قیمت‌گذاری مضاعف انرژی مجدداً مطرح شد. سرویس فدرال تعرفه در روسیه^۱، در بخش‌هایی نظیر برق، گرمایش، نفت و گاز به تنظیم قیمت می‌پرداخت. نکته قابل توجه درباره روسیه وضعیت «سه‌گانه»^۲ قیمت انرژی در این کشور بود.^۳ (Hoff, 2014: 8) دولت فدرال روسیه، برای خانوارها، بنگاه‌های صنعتی داخلی و مشتریان خود در ماورا بحار سه قیمت متفاوت در نظر گرفته بود. (WT/ACC/RUS/70 & WT/MIN (11)/2) به این ترتیب، خانواده‌های روسی برای مصرف برق و گاز یک قیمت ثابت پرداخت می‌کردند. هدف دولت روسیه از این امر، اجرای طرح «حمایت اجتماعی»^۴ و کنترل قیمت مصرف انرژی توسط خانوارها بود. علاوه بر این، اگرچه گاز و الکتریسیته در روسیه به بخش خصوصی مانند گازپروم^۵ و راتو^۶ واگذار شده است، اما بخش عمده‌ای از سهام این دو شرکت همچنان در اختیار دولت بوده و قیمت‌های آن توسط دولت تنظیم و کنترل می‌شود. لازم به ذکر است که روسیه تا پیش از الحاق خود، میان قیمت انرژی برای کاربران صنعتی داخلی و قیمت بازار جهانی که از سوی مشتریان ماورا بحار پرداخت می‌شد تفاوت فاحشی قائل بود و همین مسئله موجبات نگرانی اعضای سازمان جهانی تجارت را فراهم کرد. از نظر بعضی از اعضای سازمان، قیمت تعیین شده از سوی

1. FST: Federal Tariff Service of Russia

2. Triad Pricing

۳. ذکر این نکته ضروری است که قیمت‌گذاری مضاعف انرژی منحصر به تعیین دو قیمت متفاوت نبوده و بعضاً با وضع چند قیمت مختلف نیز رخ می‌دهد. به عنوان مثال، دولت روسیه با تعیین حداقل سه قیمت متفاوت برای مصرف‌کنندگان داخلی، مصرف‌کنندگان عضو اتحادیه «کشورهای مستقل مشترک المنافع»^۳ مانند اوکراین و بلاروس و مصرف‌کنندگان سایر کشورها مانند اعضای اتحادیه اروپا نیز در زمره کشورهایی قرار می‌گیرد که به قیمت‌گذاری مضاعف مبادرت می‌ورزند.

4. Social Protection

5. Gazprom

6. RAO

روسیه با ملاحظات جهانی تجارت سازگار نیست. اعضای اتحادیه اروپا نیز در این مورد معتقد بودند صنایع داخلی روسیه با دریافت قیمت ارزان‌تر از مزیت رقابتی برخوردار شده‌اند. همچنین، برخی مطالعات نشان می‌دهد، قیمت گاز برای مصرف-کنندگان صنعتی در داخل این کشور حدود ۳۰ تا ۵۰ درصد پایین‌تر از هزینه تمام شده تولید گاز است. از نظر کارشناسان اتحادیه اروپا، روسیه با وضع مالیات‌های بسیار سنگین در صادرات، نسبت به تمام صنایع انرژی خود انحصار ایجاد کرده است.

دولت روسیه در مذاکرات الحاق اعلام داشت که انرژی و منابع طبیعی تحت مالکیت این دولت بوده و روسیه نسبت به آن‌ها حق حاکمیت دارد. از نظر مقامات روسیه، انطباق قیمت انرژی در داخل با قیمت آن در بازارهای جهانی نیاز به گذشت زمان دارد و به صورت تدریجی ممکن خواهد بود. مضاف بر آن‌که بنا بر گزارش‌های بانک جهانی، چنانچه روسیه سیاست وضع قیمت‌های ترجیحی خود را حذف کند، سالانه در حدود ۵ تا ۷ بلیون دلار از دست می‌دهد. علاوه بر این، کارشناسان روسیه اعتقاد داشتند که هیچ قیمت مشخصی برای مبادلات گاز در بازارهای جهانی وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، از نظر آن‌ها، قیمت جهانی گاز بر اساس عرضه و تقاضای کشورها تعیین می‌شود. دولت روسیه، همچنین ادعا کرد بر اساس موافقت‌نامه یارانه و اقدامات جبرانی سازمان جهانی تجارت رویه تعیین قیمت انرژی در این کشور به هیچ عنوان یارانه تلقی نمی‌شود. با این وجود، دولت روسیه متعهد شد تا قوانین خود در مورد تعیین قیمت گاز را اصلاح کند و اصول قیمت‌گذاری در بازار را نیز توسعه دهد. به طوری که قیمت گاز در بازارهای داخلی و جهانی یکسان شود.

قیمت‌گذاری مضاعف، هنگام الحاق عمان به سازمان جهانی تجارت نیز مورد بحث قرار گرفت (WT/ACC/OMN/26, para: 22-23). دولت عمان به رغم آن‌که یکی از اصلی‌ترین کشورهای صادرکننده انرژی است، خود به تعیین قیمت نفت و الکتریسیته مبادرت می‌ورزد. در این کشور، قیمت نفت بالاتر از قیمت جهانی در نظر گرفته شده است. این امر، از یک سو ریشه در مسائل مالی عمان دارد و از سوی دیگر، به منظور ترویج الگوی صحیح مصرف است. اما عمان برای انرژی الکتریسیته به دلیل حمایت از

صنایع نوپا و طرح‌های اجتماعی یارانه پرداخت می‌کند. یکی دیگر از موانع پیش روی عمان برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت، وضع تعرفه‌های صادرات و واردات بود و این دولت پذیرفت تمام تعرفه‌های صادراتی خود از جمله تعرفه صادرات نفت و مشتقات آن را حذف کند.

بررسی وضعیت انرژی دولت ایران به عنوان کشور متقاضی الحاق به سازمان جهانی تجارت نیز خالی از فایده نیست. دولت ایران تاکنون برای الحاق به سازمان جهانی تجارت با موانع متعددی روبرو بوده است. یکی از مهم‌ترین تعهدات دولت ایران جهت الحاق به سازمان، اصلاح سیاست قیمت‌گذاری انرژی و حذف یارانه بسیار بالایی است که این دولت برای محصولات پتروشیمی خود پرداخت می‌کند (Tarr & Jensen, 2002: 3-8). اجرای طرح هدفمندی مصرف سوخت توسط دولت ایران علاوه بر این که نظر موافقان و مخالفان قیمت‌گذاری دوگانه را منعکس می‌سازد، تلاش این کشور برای منطبق سازی قوانین تجاری خود با معیارهای سازمان جهانی تجارت را نیز نشان می‌دهد. (Kojima, 2009: 43-44)

در سال ۱۳۸۶ جمهوری اسلامی ایران، سوخت مورد نیاز وسایل نقلیه خصوصی و عمومی را سهمیه‌بندی کرد و به دارندگان خودرو کارت هوشمند سوخت اعطا کرد. بدین ترتیب، دولت ایران برای مصرف سوخت میان انواع خودرو قائل به تفکیک شد و از این طریق از مصرف ماهیانه سوخت در کشور نیز آگاهی می‌یافت. این عمل در ابتدای امر نتایج بسیار مطلوبی دربر داشت و واردات سوخت را به نصف تقلیل داد، اما پس از گذشت مدتی مصرف‌کنندگان برای تأمین سوخت مورد نیاز خود با مشکل مواجه شدند و همین مسئله باعث شد در حوزه سوخت فسیلی بازار سیاه ایجاد شود (Kojima, 2009:43-44). در پاسخ به حوادث پیش آمده، دولت تصمیم به اصلاح برخی از قوانین گرفت. در نهایت با اصلاحات صورت گرفته در سال ۱۳۸۹، قیمت بنزین به سه دسته سوبسید کامل، نیمه سوبسید و آزاد تقسیم شد (Beaton & Clark 2016:6). در دسته دوم و سوم، قیمت بنزین حدود چهار تا هفت برابر افزایش یافت و دولت برای جلوگیری از بروز مشکلات ناشی از افزایش ناگهانی قیمت سوخت تا چند هفته متوالی

به ازای مصرف شصت لیتر بنزین به مصرف‌کنندگان یارانه پرداخت کرد. این اقدام دولت تا حدی بازار را آرام ساخت و از ورود شوک اقتصادی به آن ممانعت به عمل آورد. دولت ایران با اتخاذ روش پلکانی به تدریج قیمت سوخت در کشور را به قیمت واقعی جهانی آن نزدیک کرده و در سال ۱۳۹۳ به طور کامل یارانه سوخت را حذف کرد (Foroohar & Nasseri, 2015). بنابراین هر چند وضع قیمت پایین‌تر از سطح استاندارد جهانی و اعطای یارانه به مصرف‌کنندگان متضمن نوعی حمایت ویژه از افراد بود اما دولت ایران همگام با نیرومند ساختن تولیدکنندگان به حذف آن مبادرت ورزید. اینک کشورهای توسعه یافته و سازمان‌های بین‌المللی تجاری، کلیه کشورها را به گسترش تجارت آزاد و بدون تبعیض ترغیب می‌کنند و در این راستا می‌کوشند تا تمام موانع را از سر راه بردارند، همچنین کشورهای در حال توسعه نیز می‌بایست به منظور افزایش روابط تجاری خود با سایر کشورها از اتخاذ هر نوع سیاست تبعیض‌آمیز اجتناب ورزیده و برای تقویت توان اقتصادی خود به راه‌های دیگری متوسل شوند. سیاست قیمت‌گذاری دوگانه انرژی اگرچه ممکن است مغایر با قوانین تجارت آزاد و بدون تبعیض باشد اما به نظر می‌رسد، اصلاحات قوانینی که از سوی سازمان جهانی تجارت به کشورهای متقاضی الحاق به این سازمان تحمیل می‌شود، نوعی «تعهدات اضافی»^۱ باشد و کشورهای خواهان عضویت در سازمان برای ورود به این نهاد مجبور به پذیرش آن شوند.

نتیجه‌گیری

سیاست تعیین قیمت انرژی یک عنصر کلیدی در جذب سرمایه، مصرف صحیح انرژی‌های تجدید ناپذیر و حفظ محیط است. به طوری که تعیین قیمت پایین انرژی باعث افزایش مصرف آن، تولید بیش‌تر گازهای گلخانه‌ای و در نتیجه ورود خسارت‌های جبران ناپذیر می‌شود. هم‌چنین این شیوه از قیمت‌گذاری منجر به افزایش تولیدات داخلی در شرایط ناعادلانه و بر هم خوردن تجارت منصفانه می‌شود.

با این وجود، اثبات این مسئله که آیا قیمت‌گذاری دوگانه و به طور خاص تعیین قیمت مضاعف در بخش انرژی با قوانین سازمان جهانی تجارت مغایرت دارد، بسیار پیچیده است. شیوه‌های تعیین قیمت انرژی از این حیث حائز اهمیت است که تغییر در قیمت باعث تغییر تقاضا خواهد شد. به بیان دیگر، چنانچه قیمت انرژی در یک کشور کاهش یابد، تقاضا و مصرف آن در کشور مزبور افزایش خواهد یافت و همین امر باعث بروز نگرانی‌هایی در خصوص امنیت انرژی شده است. فلذا شناسایی روش صحیح وضع قیمت انرژی روز به روز اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند.

ایراد خسارت به تجارت جهانی و افزایش سرعت اتمام انرژی‌های تجدیدناپذیر، تنها بخشی از عواقب سیاست تعیین قیمت پایین و غیرواقعی از سوی کشورها خواهد بود. از این رو، کشورهای صادرکننده انرژی در مذاکرات الحاق به سازمان جهانی تجارت، برای حذف سیاست‌های وضع قیمت دوگانه به شدت تحت فشار قرار می‌گیرند و بسیاری از کشورها مانند روسیه، عربستان، عمان و غیره برای الحاق به سازمان جهانی تجارت ناگزیر به حذف سیاست کنترل قیمت انرژی و محصولات مبتنی بر آن را در بازارهای داخلی خود شدند.

از سوی دیگر، از بین بردن روش‌های اعطای یارانه به تولیدکنندگان انرژی در داخل یک کشور، یکی از اهداف اصلاحات اقتصادی نهادهای اقتصادی بین‌المللی مثل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز است. به طوری که یکی از شروط نهادهای فوق‌الذکر برای کمک مالی به دولت‌ها و اعطای وام به ایشان معمولاً اصلاح سیاست یارانه است. در این خصوص می‌توان به پرداخت وام ۸۰۰ میلیونی بانک جهانی جهت ساخت و ساز به مصر و تغییر سیاست قیمت‌گذاری این دولت اشاره کرد.

کشورهای صادرکننده انرژی اگرچه با اصلاح سیاست‌های وضع قیمت خود مشکلی ندارند اما بر این باورند که تغییرات ناگهانی سیاست‌های مالی و اقتصادی آن‌ها آثار سوء اجتماعی برایشان خواهد داشت. بنابراین آن‌ها ترجیح می‌دهند از رویکرد تدریجی حذف قیمت دوگانه استفاده کنند. بسیاری از آن‌ها در حین مذاکرات الحاق به سازمان جهانی تجارت این‌گونه استدلال می‌کنند که شرط اصلاح سیاست‌های قیمت

گذاری آن‌ها و اجبار به پذیرفتن این تعهدات در زمان مذاکرات الحاق فراتر از قوانین سازمان بوده و از وجاهت قانونی برخوردار نیست. از این رو، از پذیرش این تعهدات سرباز زدند. برخی دیگر از دولت‌ها نیز در جریان پیوستن به سازمان جهانی تجارت تعهداتی را با توجه به سیاست‌های بخش انرژی‌شان پذیرفته‌اند اما این مسئله که تعهدات مزبور تا چه میزان در حل و فصل اختلافات تجاری ایشان لازم‌الاجرا خواهد بود، قابل تأمل است.

سخن آخر آن‌که هیچ یک از موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت به طور صریح اشاره‌ای به حذف قیمت‌گذاری دوگانه نداشته و تکلیف آن را مشخص نکرده است. بسیاری از مواد قانونی موافقت‌نامه‌های سازمان جهانی تجارت از جمله ماده سوم موافقت‌نامه یارانه تنها اشاره به این موضوع دارند که رفتار و سیاست‌های اتخاذی دولت‌های صادرکننده منجر به ورود ضرر و زیان به سایر کشورها نشود. بنا بر منطق مواد مزبور، موافقت‌نامه صراحتاً تعهداتی برای اصلاح روش کنترل حداکثر قیمت و تعیین قیمت مضاعف ایجاد نکرده است. از این رو، تحلیل‌های حقوقی در خصوص مغایرت قوانین سازمان جهانی تجارت با سیاست وضع قیمت دوگانه بسیار دشوار و پیچیده است. از زمان تأسیس سازمان جهانی تجارت تاکنون، این مسئله که قیمت‌گذاری دوگانه یارانه پنهان محسوب می‌شود و یا اثری مشابه به یارانه دارد، همواره مورد بحث و مناقشه بوده است. اثبات این نکته که شیوه تعیین قیمت مضاعف در کشورهایی مانند عربستان و روسیه، یارانه به مفهوم موافقت‌نامه تلقی می‌شود با تردید جدی رو به رو است. به همین جهت، لازم است سازمان جهانی تجارت م وضع روشنی در این باره اتخاذ کند و موافقت‌نامه‌ها و قوانین خود را نسبت به قیمت‌گذاری دوگانه اصلاح کند.

منابع

الف. فارسی

باغستانی میبیدی، مسعود و دیگران (۱۳۹۴) «لزوم دخالت دولت در مقررات‌گذاری و

- نظارت بر بازارهای مالی»، **مجله اقتصادی**، شماره هفتم و هشتم، صص ۴۳-۵۸.
- بلوریان تهرانی، محمد (۱۳۹۴) **قیمت‌گذاری به زبان ساده**، تهران: نشر بازرگانی.
- حسینی، سید رضا (۱۳۸۴) «**قیمت‌گذاری از دیدگاه فقه و اقتصاد**»، **جستارهای اقتصادی**، شماره چهارم، صص ۲۶۸-۲۷۰.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۶) **حقوق نفت و گاز**، تهران: نشر میزان.
- عسگری، علی (۱۳۶۹) **قیمت و قیمت‌گذاری: مبانی، روش‌ها و سیاست‌ها**، تهران: نشر بازرگانی.
- کوریک، جیمز. ترجمه: یاسایی، آریتا (۱۳۹۵) **رنسانس**، تهران: نشر قومس.
- نصیری، میترا (۱۳۸۴) «**جایگاه انرژی در سازمان جهانی تجارت**»، **پژوهش‌های تجارت جهانی**، سال اول، شماره اول. صص ۱۶۳-۱۲۷.

ب. انگلیسی

- Agreement on Subsidies and Countervailing Measures (ACM).
- Alberta Institute (2009) **Methods to Price Your Product. Agriculture Business Strategies**. PP.1-6.
- Azaria, Danae (2009) "Energy Transit under the Energy Charter Treaty and the General Agreement on Tariffs and Trade", **Journal of Energy & Natural Resources Law**, Vol 27, Issue 4, PP. 559- 596.
- Balasubramaniam, Kesavan, (2009), "**Who Sets the Price of Commodities?**", (15 July 2018), in <https://www.investopedia.com/ask/answers/06/commodityprices.asp>
- Beaton, Christopher & Clark, Keiran (2016) **One Fuel, Two Prices: International Experiences with Dual Pricing of Fuel**. International Institute for Sustainable Development.
- Beranek, Magda (2015). "**How Demand and Supply Determine Market Price?**" Alberta Institute. last visited: 30. Jun.2017. Available at: <http://www.agric.gov.ab.ca>
- Business dictionary, (2017), "**Dual Pricing**", (2 Feb 2917), in: www.businessdictionary.com
- Dave, Antonio (2006). **Who Sets the Price of Commodities?** last

- visited: 16. June.2017. Available at: <http://www.investopedia.com/>
- European Court of Justice: “**Municipality of Almelo and Others V Energiebedrijf IJsselmij NV**”. (27. April.1994). Case C-393/92. 30.Jun.2017. Available at: [http://www. http://eur-lex.europa.eu/](http://www.eur-lex.europa.eu/) last visited:
- Final Act of the United Nations Conference on Trade and Employment (Havana Charter). 1947.
- Foroohar, Kambiz & Nasser, Ladan Bloomberg, (2015), Bloomberg, (2015), “Bloomberg, (2015), “**Rouhani Hits Welfare Roadblock in Readying Iran Economy for Deal**”, (15 July 2018), in: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2015-06-16/rouhani-hits-welfare-roadblock-in-readying-iran-economy-for-deal>
- General Agreement on Tariffs and Trade 1994.
- General Agreement on Tariffs and Trade. 1947.
- General Assembly resolution 1803 (XVII) of 14 December 1962, "Permanent sovereignty over natural resources"
- Goldschmidt, Peter.I.B & Lanz, Christoph (2001). EC Competition Law – Is the Time Ripe for Reform? **EIPA**.
- Harmonized Systems (HS) Convention, 1988. (Updating 2000).
- Hoff, Frida. (2014). **The Price is Right? Energy Dual Pricing in Russia's negotiations to join to WTO**. Oslo University.
- Hofstrand, Don (2007). “**Setting Your Price. AG Marketing Recourse Center**”. Available at: <http://www.ag,rc.org/> last visited: 16.Jan.2017.
- Inno-Group. (2014). Analysis of the Impacts of Dual Pricing in Spain. **Inno AG Pub**. PP.1-47.
- Jensen, Jesper & Tarr, David (2002). Trade, Foreign Exchange and Energy Policies in the Islamic Republic of Iran. **Policy Research Working Paper**; No. 2768. World Bank.
- Kojima, Masami (2009). Government Response to Oil Price Volatility: Experience of 49 Developing Countries. **The World Bank pub**.
- Marhold, Anna (2013). The World Trade Organization and Energy: Fuel for Debate. **European Society of International Law (ESIL)**.
- Mathur, Sajal (2014). Trade, the WTO and Energy Security. **Springer Pub**.

- Milthrop, P & D, Christy (2011). **Energy issue in selected WTO accessions**. Kluwer.
MTN.GNG, 1988/NG10/W20
MTN.GNG, 1988/NG3/19
MTN.GNG, 1987/NG10/5
- Pogoretsky, Vitaliy (2011). **Energy dual pricing in international trade: subsidies and anti-dumping perspectives: Regulation of Energy in WTO, NAFTA and Energy Charter**. Kluwer International Law. Online version: (2016). Available at: <http://www.papers.ssrn.com>. Last visited: 30. Jun.2017.
- Rice, Dave (2010). Dual Pricing: The rest of the story. **CIS**. Available at: <http://www.cisbydeloitte.com/> last visited: 2. Jun.2017.
- Riley, Jim (2016). Pricing-Factors to consider when setting price. Available at: <http://www.tutor2u.nrt/> last visited: 16. June.2017.
- Selivanova, Yulia (2008). **Energy Dual Pricing in WTO Law: Analysis and Prospects in the Context of Russia's Accession to the WTO**. CAMERON MAY Pub.
- Stewart, Terence P (1994). **The GATT Uruguay Round: a negotiating history (1986-1994)**. Kluwer Law and Taxation Pub.

Documents

- TN/RL/GEN/135. (2006). Available at: www.docs.wto.org/ last seen: 25.May.2018.
- TN/RL/W/107, (2003). Available at: www.docs.wto.org/ last seen: 25.May.2018.
- TN/RL/W/232, (2008). Available at: www.docs.wto.org/ last seen: 25.May.2018.
- TN/RL/W/78. (2003). Available at: www.docs.wto.org/ last seen: 25.May.2018.
- United Nations Conference on Trade and Development, (2000). UNCTAD: Trade Agreements, Petroleum and Energy Policies, UNCTAD/ITCD/TSB/9.
- United Nations General Assembly resolution: A/RES/1803, 14 December 1962, "Permanent sovereignty over natural resources.
- United States of America Report: International Trade Commission. (1999).
- Venn, Fiona (2013). The Oil Crisis. Routledge.
- World Trade Organization, (2010). WTO Report: Trade in natural

resources.

WTO Report: Doha Development Round (2001).

WTO Report: Uruguay Round (1987). Available at:
<http://www.wto.org/> last visited: 30. Jun.2017

WTO Report: Uruguay Round (1989). Available at:
<http://www.wto.org/> last visited: 30.Jun.2017

WTO Report: Working Party on the Accession of OMAN to the
World Trade Organization. (2000).

WTO Report: Working Party on the Accession of the KINGDOM OF
SAUDI ARABIA to the World Trade Organization. (2005).

WTO Report: Working Party on the Accession of the RUSSIAN
FEDERATION to the World Trade Organization. (2011).